

نام درس: ادبیات فارسی
نام دبیر: مهدی تبسیمی
تاریخ امتحان: ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۹۹
ساعت امتحان: ۰۸:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

- جمهوری اسلامی ایران
- اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران
- اداره کی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۲ تهران
- دیبرستان غیردولتی پسرانه سرای دانش واحد سعادت آباد
- آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

..... نام فناز و آدگی: نام و فناز

..... مقطع و شته: دوازدهم

..... نام پدر: نام

..... شماره ره داولطب: شماره ره

..... تعداد صفحه سوال: ۱۴ صفحه

۴. نقش ضمایر پیوسته را در نمونه‌های زیر تعیین کنید و مشخص کنید کدام بیت مشمول قاعده «پرش ضمیر» واقع شده‌است؟

بنهفته به ابر چهر دلند

الف. تا چشم بشر نبیند روی

زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

ب. وجه خدا اگر شودت منظر نظر

۵. در عبارت زیر ترکیبات وصفی را بیابید و بنویسید.

«دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است، حکایت از روزگاران گذشته دارد. یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.»

۶. در هر یک از ابیات و عبارت زیر یک غلط املایی وجود دارد، آن را بیابید و بنویسید.

وین مردم نحس دیومانند

الف. تا وارهی از دم سطوران

ب. یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بهر مکاشفت مستغرق شده.

ب. پرسش‌های قلمرو ادبی

۷. در برابر هر بیت آرایه‌هایی ذکر شده‌است، آن‌ها در بیت مشخص کنید و بنویسید.

بنشین به یکی کبود اورند (استعاره، کنایه)

الف. برکش ز سر این سپید معجر

کنایه:

استعاره:

بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست (تشبیه، تناسب)

ب. زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر

تناسب:

تشبیه:

۸. در جدول زیر مصراج‌های مرتبط را به هم وصل کنید.

هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی	آیینه نگاهت پیوند صبح و ساحل
در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی	پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران	بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود
دیوار زندگی را زین گونه یادگاران	در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

۹. هر یک از آرایه‌های «حسن تعلیل، اسلوب معادله، پارادکس، جناس» در کدام یک از ابیات زیر وجود دارند، آن‌ها را دقیقاً مشخص کنید.

پرده‌هایش پرده‌های ما درید

الف) نی حریف هر که از یاری برید

کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

ب) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

ج) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را

۲	<p>کافور بر آن ضماد کردند</p> <p>۱۰. هر یک از آثار زیر از چه نویسنده‌گانی یا شاعرانی است؟</p> <p>ب: مثل درخت در شب باران:</p> <p>د. کلیله و دمنه:</p> <p>ج. پرسش‌های قلمرو فکری</p> <p>۱۱. معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.</p> <p>الف. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدْنَاكَ حَقًّا عِبَادَتِكَ.</p> <p>ب. یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.</p> <p>۱۲. مفهوم بیت « هیچ نقاشت نمی‌بینند که نقشی برگند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای » با مفهوم کدام گزینه مرتبط است؟ چرا؟</p> <p>کان را که خبر شد خبری بازنيامد</p> <p>کس نتواند که به جای آورد</p> <p>الف) این مدعیان در طلبش بی خبرانند</p> <p>ب) ورنه سزاوار خداوندی اش</p> <p>۱۳. مفهوم بیت زیر چه چیزی را نفی می‌کند؟</p> <p>من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم</p> <p>« دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی</p> <p>۱۴. مفهوم کدام دو بیت از میان ابیات زیر با هم تناسب دارند؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بیان کنید.</p> <p>تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی</p> <p>آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی</p> <p>بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی</p> <p>کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی</p> <p>الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی</p> <p>ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد</p> <p>ج) گر نور عشق به دل و جانت اوفت</p> <p>د) یکدم غریق بحر خدا شو گمان مبر</p> <p>۱۵. در بیت « همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرفِ چمن است » مقصود از « رفیقان طرف چمن » چیست؟</p> <p>۱۶. مفهوم بیت « دولت فقر خدایا را من ارزانی دارد / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است » با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟</p> <p>هر ملتی که مردم صاحب هنر نداشت</p> <p>ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت</p> <p>آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت</p> <p>الف) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم</p> <p>ب) با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است</p> <p>ج) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت</p> <p>۱۷. ملک‌الشعرای بهار در کدام بیت خواهان بازگشت ایران به شکوه و اقتدار تاریخی خویش است؟ چه نشانه‌ای در بیت مورد نظر این مفهوم را القا می‌کند؟</p> <p>بنشین به یکی کبود اورنگ</p> <p>الف) برکش ز سر این سپید معجر</p>	<p>د) تا درد و ورم فرو نشیند</p>
۱	<p>۱۲. مفهوم بیت « هیچ نقاشت نمی‌بینند که نقشی برگند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای » با مفهوم کدام گزینه مرتبط است؟ چرا؟</p> <p>کان را که خبر شد خبری بازنيامد</p> <p>کس نتواند که به جای آورد</p> <p>الف) این مدعیان در طلبش بی خبرانند</p> <p>ب) ورنه سزاوار خداوندی اش</p> <p>۱۳. مفهوم بیت زیر چه چیزی را نفی می‌کند؟</p> <p>من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم</p> <p>« دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی</p> <p>۱۴. مفهوم کدام دو بیت از میان ابیات زیر با هم تناسب دارند؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بیان کنید.</p> <p>تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی</p> <p>آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی</p> <p>بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی</p> <p>کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی</p> <p>الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی</p> <p>ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد</p> <p>ج) گر نور عشق به دل و جانت اوفت</p> <p>د) یکدم غریق بحر خدا شو گمان مبر</p> <p>۱۵. در بیت « همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرفِ چمن است » مقصود از « رفیقان طرف چمن » چیست؟</p> <p>۱۶. مفهوم بیت « دولت فقر خدایا را من ارزانی دارد / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است » با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟</p> <p>هر ملتی که مردم صاحب هنر نداشت</p> <p>ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت</p> <p>آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت</p> <p>الف) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم</p> <p>ب) با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است</p> <p>ج) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت</p> <p>۱۷. ملک‌الشعرای بهار در کدام بیت خواهان بازگشت ایران به شکوه و اقتدار تاریخی خویش است؟ چه نشانه‌ای در بیت مورد نظر این مفهوم را القا می‌کند؟</p> <p>بنشین به یکی کبود اورنگ</p> <p>الف) برکش ز سر این سپید معجر</p>	
۰/۵	<p>۱۴. مفهوم کدام دو بیت از میان ابیات زیر با هم تناسب دارند؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بیان کنید.</p> <p>تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی</p> <p>آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی</p> <p>بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی</p> <p>کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی</p> <p>الف) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی</p> <p>ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد</p> <p>ج) گر نور عشق به دل و جانت اوفت</p> <p>د) یکدم غریق بحر خدا شو گمان مبر</p> <p>۱۵. در بیت « همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرفِ چمن است » مقصود از « رفیقان طرف چمن » چیست؟</p> <p>۱۶. مفهوم بیت « دولت فقر خدایا را من ارزانی دارد / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است » با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟</p> <p>هر ملتی که مردم صاحب هنر نداشت</p> <p>ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت</p> <p>آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت</p> <p>الف) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم</p> <p>ب) با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است</p> <p>ج) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت</p> <p>۱۷. ملک‌الشعرای بهار در کدام بیت خواهان بازگشت ایران به شکوه و اقتدار تاریخی خویش است؟ چه نشانه‌ای در بیت مورد نظر این مفهوم را القا می‌کند؟</p> <p>بنشین به یکی کبود اورنگ</p> <p>الف) برکش ز سر این سپید معجر</p>	
۰/۵	<p>۱۶. مفهوم بیت « دولت فقر خدایا را من ارزانی دارد / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است » با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟</p> <p>هر ملتی که مردم صاحب هنر نداشت</p> <p>ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت</p> <p>آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت</p> <p>الف) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم</p> <p>ب) با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است</p> <p>ج) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت</p> <p>۱۷. ملک‌الشعرای بهار در کدام بیت خواهان بازگشت ایران به شکوه و اقتدار تاریخی خویش است؟ چه نشانه‌ای در بیت مورد نظر این مفهوم را القا می‌کند؟</p> <p>بنشین به یکی کبود اورنگ</p> <p>الف) برکش ز سر این سپید معجر</p>	
۰/۵	<p>۱۷. ملک‌الشعرای بهار در کدام بیت خواهان بازگشت ایران به شکوه و اقتدار تاریخی خویش است؟ چه نشانه‌ای در بیت مورد نظر این مفهوم را القا می‌کند؟</p> <p>بنشین به یکی کبود اورنگ</p> <p>الف) برکش ز سر این سپید معجر</p>	

<p>۱</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p>	<p>وان آتش خود نهفته می‌سند بگسل ز هم این نژاد و پیوند ۱۸. معنی و مفهوم ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.</p> <p>پرده هایش پرده‌های ما درید هرکه بی روزی است روزش دیر شد ۱۹. مفهوم بیت زیر با کدام عبارت تناسب دارد؟</p> <p>لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست « الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها فزون آید. با جان بودن به عشق در سامان نیست ب) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست ج) وجود عاشق از عشق است، بی عشق چگونه زندگانی کند. د) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.</p> <p>۲۰. درک و دریافت خود را از عبارت زیر بنویسید. « عشق آتش است هرجا که باشد جز او رخت، دیگری ننهد. هرجا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداشت. »</p>	<p>ب) شو منفجر ای دل زمانه ج) بفکن ز پی این اساس تزویر الف. نی حرف هرکه از یاری برید ب. هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد « صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها فزون آید. با جان بودن به عشق در سامان نیست ب) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست ج) وجود عاشق از عشق است، بی عشق چگونه زندگانی کند. د) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.</p> <p>۲۰. درک و دریافت خود را از عبارت زیر بنویسید. « عشق آتش است هرجا که باشد جز او رخت، دیگری ننهد. هرجا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداشت. »</p>
--------------------------------	--	--

صفحه ۴ از ۱۴

جمع بارم : ۲۰ نمره



کلید سوالات پایان ترمه نوبت اول سال تمصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
الف. قلمرو زبانی		
۱. پاسخ سوال ۱.	«فرض، سودایی، بیگاه شدن، پوشیده، سریر، ارغند، دعای خیر، شادی بخش »	مفرح: شادی بخش
	الف. هر نفسی که فرومی رود ممد حیات است و چون برمی آید مفرّح ذات.	مستور: پوشیده
	ب. تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست	اورند: سریر
	ج. برکش ز سر این سپید معجر بشین به یکی کبود اورند	ارغند: شرزه
	د. بگرای چوازدهای گرزه بخروس چو شرزه شیر ارغند	ناگزیرم: فرض
	ه. درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم	همت: دعای خیر
	و. همّتم بدرقه راه کن ای طایر قدس سر برآرد دلم به شیدایی	شیدایی: سودایی که جز ماهی ز آبش سیر شد
	ز. بیم آن است کز غم عشقت روزش دیر شد: هر که بی روزی است روزش دیر شد	بیگاه شدن
۲. پاسخ سوال ۲.		
	الف. سر من از ناله من دور نیست	لیک چشم و گوش را آن نور نیست
	نهاد	پس سخن کوتاه باید والسلام
	ب. در نیابد حال پخته هیچ خام مفعول	لائق صحبت بزم تو شدن آسان نیست
	ج. صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع مسند	سوزد جانت به جانت سوگند
	د. گر آتش دل نهفته داری مسند	ز اشک ویران کنش آن خانه که بیتالحزن است
	ه. خانهای کاو شود از دست اجانب آباد مسند	آن گه رسی به خویش که بی خواب و خورشی
	و. خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد مفعول	گفت جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
	ز. گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی قید	گنه بنده کرده است و او شرمسار
	ح. کرم بین و لطف خداوندگار مفعول	
۳. پاسخ سوال ۳.		
	الف. بنده همان به که ز تقصیر خویش فعل «است» پس از «به» به قرینه معنوی و نهاد «او» پس از «که» به قرینه لفظی حذف شده‌اند.	عذر به درگاه خدای آورد
	ب. جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن حذف نهاد «آن جامه» و فعل «است» در مصراع دوم به قرینه لفظی.	بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
۴. پاسخ سوال ۴.		
	الف. تا چشم بشر نبیند روی	«ت» مضافق‌الیه است / پرش ضمیر ه به ابر چهر دلند

ب. ب. وجه خدا اگر شودت منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی «ت» مضاف «ت» مضاف‌الیه است / پرش ضمیر

۵. پاسخ سوال .۵

«دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است، حکایت از روزگاران گذشته دارد. یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد. »

ترکیبات وصفی: دیوارهای کهن / طاق ضربی / روزگاران گذشته / یک روز
۶. پاسخ سوال .۶

الف. تا وارهی از دم سطوران / وین مردم نحس دیومانند / ستوران

ب. یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بھر مکاشفت مستغرق شده / بحر
ب. قلمرو ادبی

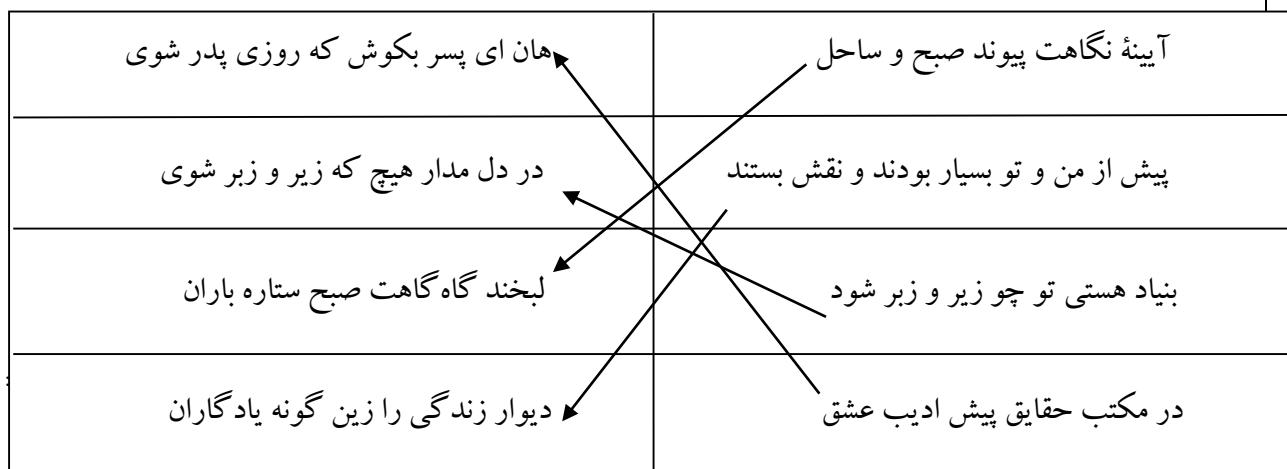
۷. پاسخ سوال .۷

الف. برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند (استعاره، کنایه)

استعاره: سپید معجر: استعاره از برف روی کوه / کبود اورند استعاره از آسمان

ب. زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست (تشییه، تناسب) تشبیه: خرمن عمر اضافه تشبیه‌ی است / تناسب: خرمن، برگ، کاه، آتش زدن

۸. پاسخ سوال .۸



فash کردن راز)

ب) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر
کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی : پارادکس: غرق دریای الهی شدن بدون تر شدن یک موی

دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را: اسلوب معادله: مصراج دوم تمثیل است برای
ج) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
مصراع اول

کافور بر آن ضماد کردند: حسن تعلیل: برف روی کوه را مرهمی برای درد و
د) تا درد و ورم فرو نشیند
ورم زمین قلمداد کرده است

۱۰. پاسخ سوال .۱۰

الف. تمهیدات: عین القضاط همدانی
ب: مثل درخت در شب باران: شفیعی کدکنی
د. کلیله و دمنه: نصرالله منشی

۱۱. پاسخ سوال .۱۱

الف. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترض که: ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.
گوشنهشینان در گاه پر عظمتش به کوتاهی خویش در عبادت اقرار دارند که : ما تو را آن‌طور که باید عبادت نکردیم.

ب. یکی از صاحبدلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بھر مکاشفت مستغرق شده.
یکی از عارفان در حالت مراقبه عرفانی غری در دریای پی بردن به اسرار و رموز الهی بود.

۱۲. پاسخ سوال .۱۲

الف) این مدعیان در طلبش بی خبرانند
کان را که خبر شد خبری بازنیامد

هر دویست بر این نکته اشاره دارند که در حالت قرب و نزدیکی به حق اراده ای از وجود عارف باقی نمی‌ماند و همه‌اش محو دریای حق می‌گردد. راهی برای بازگشت به خود و پاگذاشتن به عالم هوشیاری نیست. حیرت آخرين مرحله نزدیکی به حق است. آنجا چیزی جز فقر و فنا وجود ندارد.

.۱۳. پاسخ سوال .۱۳

من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

«دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی

نفی تزویر و ریای حاکمان

.۱۴. پاسخ سوال .۱۴

گزینه‌های (الف و ج) چون هر دو تعالی بخش بودن عشق را بیان می‌کنند.

.۱۵. پاسخ سوال .۱۵

رفیقان طرف چمن، آزادی خواهان راه وطن هستند که هنوز گرفтар حبس و زندان نشده‌اند.

.۱۶. پاسخ سوال .۱۶

گزینه «ب».

.۱۷. پاسخ سوال .۱۷

بیت «الف» کبود اورند؛ یعنی، تخت کبود که استعاره از آسمان است رمز تعالی و شکوه است.

.۱۸. پاسخ سوال .۱۸

الف. نی حریف هر که از یاری برید

پرده هایش پرده‌های ما درید

آوای نی «سخنان مولانا یا پیر و مرشد» همدم هر کسی است که از یارش جدا شده‌است. نغمه هایش (سخنانش) راز ما را فاش کرد (حق را از باطل تمییز داد).

ب. هر که جز ماهی ز آبش سیر شد

تنها عاشق است که از غرق شدن در دریای عشق دلزده نمی‌شود هم چو ماهی که از غرق شدن در آب سیر نمی‌شود. هر کس از عشق بی‌بهره است زندگی برایش ملال آور و خسته‌کننده می‌گردد.

.۱۹. پاسخ سوال .۱۹

گزینه «د» درست است.

.۲۰. پاسخ سوال .۲۰

مفهوم عبارت این است که عشق در هر دلی که راه یابد همه چیز را از آن خود می‌کند. هیچ وجهی از وجود عاشق، غیر از حضور خود را تاب نمی‌آورد و هر چه را جز خودش می‌سوزاند. عشق سراسر وجود عاشق را دربرمی گیرد و زین پس او همه چیز را رنگارنگ؛ به رنگ عشق می‌بیند.

امضا:

نام و نام خانوادگی مصحح :

جمع بارم : ۰۵ نمره